

ناشر  
تخصصی علوم انسانی



## مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی  
ناشر تخصصی دروس عمومی

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۳۱۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
شماره کتابشناسی ملی:

عنوان: هایلیت املا و واژگان کنکور
ناشر: مشاوران آموزش
چاپخانه: ۷۷
شمارگان و قطع: ۱۵۰۰ جلد / جیبی
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۳۱۷-۰

## دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه  
مهر، پلاک ۱۸ . تلفن: ۶۶۹۵۳۲۰۵

دستر فروش تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



آشنایی با گروه تولید هایلیت املا و واژگان کنکور

## خانواده تألیف

مؤلف: مهسا کاظمی  
ویراستار علمی: سیده زهرا موسوی نیا  
ویراستاران فنی: شراره فلاحتی / ملیحه حشمتی

## خانواده طراحی و چاپ

طراح جلد | آذر سعیدی منش  
طراح لی اوت | آذر سعیدی منش / الهه ابراهیمی  
گرافیک: عباس جعفری  
نظارت بر چاپ: الهه ابراهیمی / سید کمیل موسوی پور  
گروه صفحه آرایی:

# پیشن گفتار

## سخن ناشر

سال ۸۰ بود که در انتشارات مشاوران آموزش رویدادی بی‌سابقه اتفاق افتاد. برای اولین بار کتاب‌هایی را با عنوان کتاب‌های کوچک هدف‌دار تولید کردیم که دو نگاه عمده در تألیف آن در نظر گرفته بودیم:

یکی اینکه هر درسی را به مباحث گوناگون تقسیم کردیم و برای هر مبحث کتاب مستقل تألیف و چاپ کردیم. در آن دوران نوشتن کتاب‌های مبحثی امری نادر بود و عمده کتاب‌ها به‌صورت جامع تألیف و چاپ می‌شد.

دوم اینکه در شکل تألیف کتاب‌های کوچک، شیوه‌ای نوین از آموزش را جاری کردیم؛ شیوه‌ای که نشان می‌داد چطور آموزش مبتنی بر خلاصه ارائه نکنیم! چون هر خلاصه‌ای یعنی حذف کردن بخشی از واقعیت آموزشی.

استقبال بی‌نظیر دانش‌آموزان و دبیران از کتاب‌های کوچک ما نشان داد که تشخیص ما درست بود.

سال‌ها گذشت تا رسیدیم به سال ۱۴۰۰ و دوباره تصمیم گرفتیم سنت قدیم خودمان را در قالبی نوتر و با نامی جدید برای شما دانش‌آموزان عزیز آماده کنیم:

### «مجموعه کتاب‌های هایلایت»

من به‌شخصه بسیار امیدوارم که هایلایت‌هایمان در نتیجه‌گیری برای رسیدن به اهدافتان مؤثر واقع شوند.

بدانید که حجم کوچک این کتاب‌ها نتیجه حذف نبوده؛ بلکه بر این اساس نوشتیم که همه آنچه مهم است را، به بهترین شکل یاد بگیرید.

آرزوی موفقیت برای دانش‌آموزان انسانی ایران عزیزمان دارم؛ دانش‌آموزانی که بار توسعه کشور بر دوش آنان است.

**وحید تمنا**









لغت‌ها تو هایلایت کن!  
 در نگاه اول شاید ساده به نظر برسد و با خودمان بگوییم «معنی» است دیگر، کاری ندارد! اما در حقیقت با این صحنه روبه‌رو می‌شویم:  
 ۳ کتاب درسی، لغت‌هایی افزون بر لغت‌های واژه‌نامه، واژه‌هایی با چند معنا، واژه‌هایی با املای متشابه و ... نگران نباشید! خیلی هم ترسناک نیست. قرار است با هم همه این‌ها را بگذاریم داخل جیبمان تا خیالمان راحت شود.  
 در کتاب املای و واژگان:

۱. لغات تمام دروس، حتی کارگاه‌های متن‌پژوهی معنی شده‌اند.
  ۲. بخش‌هایی مثل «بد نیست بدانید»، «از چی؟» و «خارج از کادر» به شما کمک می‌کنند تا معنای یک واژه را به‌صورت کامل درک کنید.
  ۳. علامت «» به شما می‌گوید که حواستان به املای کلمه باشد!
  ۴. برای کلمات هم‌آوا و متشابه نیز «اشتباه‌نگیرید»‌ها راهنمای شما برای تشخیص معنای درست هستند.
  ۵. در سنامه با علامت‌ها و مخفف‌هایی مواجه می‌شوید که در انتهای متن، راهنمایی برای آن‌ها آورده شده است.
  ۶. در انتهای هر فصل تمرین‌هایی با عنوان «بلد شدیم؟» قرار دادیم تا بتوانید مهم‌ترین لغات هر فصل را مرور کنید.
  ۷. در انتهای پایه ۱۲ جدول‌های موضوعی آورده شده تا شما تمام لغات مربوط به یک مبحث (مثلاً لغاتی که مربوط به ابزارهای جنگی است) را کنار هم داشته باشید و جدول کنایه‌ها نیز کمک می‌کند تا عبارات‌های کنایی را سریع مرور کنید.
  ۸. پرسش‌های چهارگزینه‌ای در قالب آزمون‌های انتهایی کتاب فرصت مناسبی است تا آموخته‌هایتان را مرور کنید و با برخی تکنیک‌های سؤالات املا و لغت آشنا شوید. آزمون‌های سراسری نیز کمک می‌کند شما دانش و آژگانی خود را در قالب سؤالات کنکور محک بزنید.
- در انتها بر خود واجب می‌دانم تا از جناب آقای «وحید تمنا» و آقای «احمد خداداد حسینی» به‌خاطر اعتماد و نظرات ارزشمندشان تشکر کنم.  
 همچنین سپاسگزار همراهم همیشگی‌ام «مهسا آقاصفری»، «نوشین الهامی» و ویراستاران محترم این کار هستم.

مهسا کاظمی

#### فهرست راهنمای نشانه‌های کتاب

معنای به‌کاررفته در جمله	<b>اصل کاری</b>	واژگان املائی	
مثال برای معنای دیگر (خارج از متن)	<b>{خارج از کادر}</b>	کلمات واژه‌نامه	
بخش‌های تشکیل‌دهنده واژه	<b>{الاجزای}</b>	مترادف	
اطلاعات اضافه درباره واژه	<b>{بد نیست بدانید}</b>	متضاد	
لغات هم‌آوا و متشابه	<b>{اشتباه‌نگیرید!}</b>	هم‌خانواده	
		مخفف	



<b>تقریب ۱۰</b>	<p>ستایش: به نام کردگار ۷ / درس ۱: چشمه ۹            درس ۲: از آموختن، ننگ مدار ۱۴ / درس ۳: پاسداری از حقیقت ۱۹            درس ۵: بیداد ظالمان ۲۱ / درس ۶: مهر و وفا ۲۶ / درس ۷: جمال و            کمال ۲۸ / درس ۸: سفر به بصره ۳۲ / درس ۹: کلاس نقاشی ۳۸            درس ۱۰: دریا دلان صفشکن ۴۷ / درس ۱۱: خاک آزادگان ۵۴            درس ۱۲: رستم و اشکیوس ۶۲ / درس ۱۳: گردآفرید ۷۰            درس ۱۴: طوطی و بقال ۷۸ / درس ۱۶: خسرو ۸۲            درس ۱۷: سپیده دم ۹۱ / درس ۱۸: عظمت نگاه ۹۳ / نیایش: الهی ۹۷</p>
<b>تقریب ۱۱</b>	<p>ستایش: لطف خدا ۹۹ / درس ۱: نیکی ۱۰۱ / درس ۲: قاضی بست ۱۰۵            درس ۳: در امواج سند ۱۱۶ / درس ۵: آغازگری تنها ۱۲۰            درس ۶: پرورده عشق ۱۳۰ / درس ۷: باران محبت ۱۳۴            درس ۸: در کوی عاشقان ۱۴۲ / درس ۹: ذوق لطیف ۱۴۷            درس ۱۰: بانگ جرس ۱۵۵ / درس ۱۱: یاران عاشق ۱۵۹            درس ۱۲: کاوه دادخواه ۱۶۳ / درس ۱۴: حمله حیدری ۱۷۱            درس ۱۵: کبوتر طوق دار ۱۷۷ / درس ۱۶: قصه عینکم ۱۸۵            درس ۱۷: خاموشی دریا ۱۹۶ / درس ۱۸: خوان عدل ۱۹۷ / نیایش: الهی ۲۰۱</p>
<b>تقریب ۱۲</b>	<p>ستایش: ملکا ذکر تو گویم ۲۰۳ / درس ۱: شکر نعمت ۲۰۵            درس ۲: مست و هشیار ۲۱۲ / درس ۳: آزادی ۲۱۷            درس ۵: دماندیه ۲۱۹ / درس ۶: نی نامه ۲۲۵            درس ۷: در حقیقت عشق ۲۲۹ / درس ۸: از پاریز تا پاریس ۲۳۴            درس ۹: کویر ۲۳۹ / درس ۱۰: فصل شکوفایی ۲۴۷            درس ۱۱: آن شب عزیز ۲۴۸ / درس ۱۲: گذر سیاهش از آتش ۲۵۳            درس ۱۳: خوان هشتم ۲۶۰ / درس ۱۴: سی مرغ و سیمرغ ۲۶۵            درس ۱۶: کباب غاز ۲۷۱ / درس ۱۷: خنده تو ۲۸۷            درس ۱۸: عشق جاودانی ۲۸۸ / نیایش: لطف تو ۲۹۳</p>
<p>جدول های موضوعی واژگان و عبارات ۲۹۴            آزمون های جامع ۳۲۰            منتخب تست های املا و واژگان آزمون های سراسری ۳۳۶</p>	

## چشمه

## درس ۱

دگشت یک چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، پوره نما، تیزپا»

● \* غلغله زن: در حال غل غل زدن ← شور و غوغاکنان

غلغله (غوغا، هیاهو) + زن (صفت فاعلی از زدن)

چهره نما: کنایه از خودنما، جلوه گر، مغرور

\* تیزپا: تندرو، تیزرو

دگه به دهان، پرزده کف، پهن صدف گاه پو تیری که رود بر هدف»

برزده: بیرون زده، بالا آورده

کف به دهان برزدن: کنایه از خشمگین بودن

دگفت در این معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صمرا، منم»

\* معرکه: ۱- میدان جنگ، جای نبرد ۲- عالی و شاهکار (شاهکار) نمایش معرکه ای بود.

\* گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ / گل سرخ (گل سرخ) + بن (ریشه،

بیخ، بوته)

تاج سر کسی بودن: کنایه از عزیز و گرامی بودن

دپهن بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ فود را به من»

\* شکن: پیچ و خم زلف

شکن گشودن: کنایه از آرام و بی موج شدن چشمه

رخ: چهره

دقطره باران که درافتد به فاک زو بدم بس گهر تابناک»

دمیدن: ۱- سبزشدن، رستن، روییدن ۲- بادکردن در چیزی ۳- وزیدن باد ۴- طلوع آفتاب

(شاهکار) ۲. باد مسیحش بدم ۳. باد، دم گرفت. ۴. به شبگیر چون بردمید آفتاب

- گهر: **مخ**: گوهر، هر سنگ گرانبها / استعاره از گیاهان و گل‌ها  
 تابناک: درخشان، تابان / **طراز**: تاب (تاییدن) + ناک (پسوند صفت‌ساز)  
 «در بر من ره پو به پایان برد / از فیلی سر به گریبان برد»  
 بر: آغوش، سینه، کنار  
 خجلی: شرمندگی، شرم، خجالت  
 گریبان: یقه / سربه‌گریبان بردن: **کنایه** از شرم‌نده‌شدن  
 «ابر، ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد»  
 ◉ حامل: حمل‌کننده (**اسم فاعل از حمل**)، بردارنده / **اصل کاری** صاحب و دارنده  
 سرمایه: دارایی، ثروت / استعاره از «باران»  
 \* پیرایه: زیور، زینت، آرایش  
 «گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی»  
 \* **برازندگی**: شایستگی، لیاقت  
 پرتو = فروغ  
 «در بن این پرده نیلوفری کیست کند با پو منی همسری؟»  
 بن: ریشه، بیخ، ته / **اصل کاری** زیر  
 \* **نیلوفری**: صفت نسبی منسوب به نیلوفر، به‌رنگ نیلوفر، **لاجوردی**  
 پرده نیلوفری: **استعاره** از آسمان لاجوردی  
 همسری: برابری  
 «زین نمط آن مست شده از غرور / رفت و ز مبدأ پوک کی گشت دور ...»  
 ◉ **نمط**: روش، طریقه / **زین** **نمط**: بدین ترتیب  
 ◉ **مبدأ**: نقطه آغاز و شروع ≠ مقصد  
 «دید یکی بهر فروشنده ای / سوهگنی، نادره پوشنده ای»  
 بحر: دریا ≠ برّ

## پیش‌گامی

الف) معنی درست کلمات زیر را مشخص کنید.

- |                   |                                   |                                     |
|-------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| ۱. ورطه:          | <input type="radio"/> میدان نبرد  | <input type="radio"/> مهلکه         |
| ۲. چهره‌نما:      | <input type="radio"/> زیبارو      | <input type="radio"/> مغرور         |
| ۳. حَقًّا:        | <input type="radio"/> به درستی    | <input type="radio"/> صاحب حق       |
| ۴. ژَهره:         | <input type="radio"/> شجاعت       | <input type="radio"/> ترس           |
| ۵. رَزَّاق:       | <input type="radio"/> خالق        | <input type="radio"/> روزی‌رسان     |
| ۶. خَلَّاق:       | <input type="radio"/> خالق        | <input type="radio"/> مبتکر         |
| ۷. پردهٔ نیلوفری: | <input type="radio"/> آسمان ابری  | <input type="radio"/> آسمان لاجوردی |
| ۸. هنگامهٔ دریا:  | <input type="radio"/> میانهٔ دریا | <input type="radio"/> غوغای دریا    |
| ۹. فروغ:          | <input type="radio"/> نور         | <input type="radio"/> نورانی        |
| ۱۰. افلاک:        | <input type="radio"/> چرخ‌ها      | <input type="radio"/> آسمان         |
| ۱۱. تیمار:        | <input type="radio"/> توجه        | <input type="radio"/> غمگین         |
| ۱۲. خاصه:         | <input type="radio"/> مخصوص       | <input type="radio"/> به‌ویژه       |
| ۱۳. مولع:         | <input type="radio"/> طمع         | <input type="radio"/> مشتاق         |
| ۱۴. مستغنی:       | <input type="radio"/> بی‌نیاز     | <input type="radio"/> بی‌نیازی      |

ب) درست یا نادرست بودن واژگان زیر را مشخص کنید.

- تا تو بدانی که سخن بر چه نمت  باید گفت.
- نبايذت کردن به رفتن شتاب  که رفتن به زودی نباشد صواب
- چون آخر عمر این جهان آمد  امروز ببایدش یکی مبدع
- چنان قادرسخن شد در معانی  که بهری  گشت در گوهرفشانی
- وه که گر بر سوی کوی توشی روز کنم  غلغل  اندر ملکوت افتد از آه سحرم
- به بتای خپله و سر طاسش  نگاهي کرد.
- زحی  قدرت که در حیرت فزودن  چنین ترتیب‌ها داند نمودن



## پ) شکل صحیح واژگان را مشخص کنید.

۱. خواست  خاست  و نشست او با فرزانشان و بر همگنان بود.
۲. درکش رمیدگان را محنت رسیدگان را / زان جذبه‌های جانی‌ای جذبه توالب
۳. متت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت  غربت  است.
۴. کشورهای حوزه  حوضه  خلیج فارس با وجود سقوط بهای نفت، بودجه‌های دفاعی خود را افزایش دادند.

## پاسخ:

- الف) ۱. ورطه: مهلکه / ۲. چهره‌نما: مغرور / ۳. حقًا: به‌درستی / ۴. زهره: شجاعت /  
 ۵. رزاق: روزی‌رسان / ۶. خلاق: خالق / ۷. پرده نیلوفری: آسمان لاجوردی / ۸. هنگامه  
 دریا: غوغای دریا / ۹. فروغ: نور / ۱۰. افلاک: چرخ‌ها، آسمان‌ها (جمع فلک: چرخ،  
 آسمان) / ۱۱. تیمار: توجه، غم، نه غمگین (ناراحت) / ۱۲. خاصه: به‌ویژه / ۱۳. مولع:  
 مشتاق / ۱۴. مستغنی: بی‌نیاز (صفت!)
- ب) ۱. نمط / ۳. مبدأ (مَبْدِع: ابداع‌کننده) / ۴. بحر / ۵. غلغل / ۷. زهی
- ب) ۱. خاست: بلندشدن (با توجه به نشست) / ۲. غالب: غالب‌یافته  
 ۳. قربت: نزدیکی (غربت: دوری) / ۴. حوزه: محدوده





# واژگان و عبارات جدول‌های موضوعی

بو قلمون: نوعی دیبای رومی که رنگ آن تغییر می‌کند.
پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر
پلاس: جامه‌ای پشمین و ستر که درویشان پوشند، نوعی گلیم درشت و کلفت و کم‌بها
توزی: منسوب به توز، پارچه نازک کتانی که نخست در شهر توز می‌بافتند.
جل: پوشش به معنای مطلق
جیب: یقه، گریبان
جیر: نوعی چرم دباغی شده با سطح نرم و پرزدار که در تهیه لباس، کفش، کیف و مانند آن‌ها به کار می‌رود.
خورجینگ: خورجین کوچک، کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است.
دستار: پارچه‌ای که به دور سر می‌پیچند، سربند و عمامه
ردا: لباس بلند، جلو باز و بی‌دکمه
طیلسان: نوعی ردا
قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.
کتان: گیاهی است که از ساقه‌های الیاف آن در نساجی استفاده می‌کنند.
کمر: کمربند
گیوه: نوعی کفش، پای افزار
لفاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی پیچند.
لُنگ: ازار، جامه حمام، پارچه‌ای که بر کمر بندند
معجر: سرپوش، روسری
نمد: پارچه کلفت که از کوبیدن و مالیدن پشم یا کرک به دست می‌آید و از آن به عنوان فرش استفاده می‌کنند یا کلاه و بالاپوش می‌سازند؛ بالاپوش نمدی



۱. از میان واژگان زیر، معنی چند واژه درست آمده است؟  
 «ویله: ناله و فریاد - تقریر: بیان کردن - اشباه: سایه‌ها - هژیر: هوشیار، نیکو - استرحام: رحم کردن به کسی - تقریظ: فهرست کتاب - وقب: بالای کمر - برافراختن: روشن کردن - گبر: خفتان - نهیب: فریاد بلند»

۴ ۱      ۲ ۵      ۳ ۶      ۴ ۷

۲. در همهٔ گزینه‌ها، معنی تمام واژه‌ها درست است؛ به‌جز:

- ۱ صباحت: خوب رویی - خنیده: مشهور - محجوب: پوشیده
- ۲ وزر: گناه - فرود سرای: اتاق مخصوص زن و فرزند - صنعت: پیشه
- ۳ تعاون: یاری رساندن - رشحه: قطره - استشمام: بوییدن
- ۴ باسق: بلند - ارتجالاً: شعرسرودن - پرچم: علم

۳. معنی مقابل کدام واژه درست است؟

- ۱ ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی دهند.
- ۲ کباده: کمانی از جنس چوب که در دو طرف آن زنجیری وصل باشد.
- ۳ تقریظ: اشعار ستایش‌آمیز دربارهٔ یک شخص یا کتاب
- ۴ غرامت: خسارت مالی و غیر آن که به کسی وارد شود.

۴. «رتسخیز، صرف، قهرآلود» به‌ترتیب معانی کدام واژه‌ها هستند؟

- ۱ بعث، معیار، شرزه
- ۲ برخاستن مردگان، مجرد، گرزه
- ۳ غاشیه، مجرد، ارغند
- ۴ قیامت، سبک، ارغند

۵. در کدام گزینه، تعداد واژه‌هایی که «غلط» معنی شده، کمتر است؟

- ۱ همت: کوشش - تگ: فریب - ویله: رها - بز: خشک
- ۲ عنود: غمخواری - ایدون: اینجا - پایمردی: استقامت - ملامت: آزرده‌گی
- ۳ حلاوت: شیرینی - تعبیه‌کردن: قراردادن - تمکن: ثروت - ارتفاع: زمین‌های زراعتی
- ۴ نسیان: فراموشکار - مولع: آزمند - سودا: هوس - خستن: مجروح

۱ (گزینه ۲) اشباه: جمع شبه، ماندها - استرحام: طلب رحم کردن از کسی - تقریظ: مطلبی ستایش‌آمیز درباره کتاب، نوشته و مانند آن‌ها - وقب: گودی هر اندام، مانند چشم - برافراختن: بلندکردن، برافراشتن (برافروختن: روشن کردن)

۲ (گزینه ۴) ارتجالاً: بی‌درنگ و بدون اندیشه شعرسرودن یا نوشتن

۳ (گزینه ۱)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: کمائی از جنس آهن - گزینه «۳»: تقریظ: مطلبی (نه لزوماً شعراً) در ستایش کتاب یا نوشته، نه شخص! - گزینه «۴»: غرامت: تاوان، جبران

۴ (گزینه ۳) رستخیز: بعث، غاشیه، قیامت، برخاستن مردگان - صرف: مجرد، محض - قهرآلود: ارغند، شوزه (گرزه: مار سمی!)

۵ (گزینه ۳) ارتفاع: محصول یا درآمد حاصل از زمین‌های زراعتی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تگ: به شتاب رفتن، تاختن - بز: خشکی!

گزینه «۲»: عنود: دشمن، ستیزه‌کار - ایدون: اینچنین

گزینه «۴»: نسیان: فراموشی - خستن: مجروح کردن (خسته: مجروح)

۶ (گزینه ۲) چرا سایر گزینه‌ها نه؟!

مفتخر: دارای افتخار، مایه و باعث افتخار - خانه ختار: میکده - ساتر: پوشاننده - متکلم: گوینده

۷ (گزینه ۲) سفره: خوان - استشهدانامه: محضر - اوج: رفعت - لباس بلند: ردا

۸ (گزینه ۳) شکل صحیح: زبده

۹ (گزینه ۱) بخاست: بلند شد

۱۰ (گزینه ۳) الف) وقاحت / ج) مرهم